

عنوان مقاله:

بررسی تاریخی نهادینه شدن الگوی لیبرالی پیشرفت در اروپای قرن نوزدهم: با تاکید بر توسعه فناوری

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره 19، شماره 62 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

صابر منادی نوری - کارشناس ارشد فلسفه علم؛ دانشگاه صنعتی شریف

مصطفی تقوی - دکترای فلسفه علم؛ استادیار دانشگاه صنعتی شریف

خلاصه مقاله:

هدف: در مقاله حاضر سعی شده تا با بررسی تاریخی-اجتماعی فضای اروپای قرون هجدهم و نوزدهم، عوامل توسعه و غلبه الگوی لیبرالی پیشرفت در اروپا و به تبع آن تمام جهان احصا شود و در پی آن پیامدها و آثار آن مورد واکاوی قرار گیرد. روش: این پژوهش مبتنی بر تحلیل‌های تاریخی‌ای است که در خصوص «پیشرفت» ارائه شده است. در واقع در این مقاله تحلیلی از تحلیل‌ها ارائه شده است. در واقع خبرگان بر اساس شواهد تاریخی تحلیل خود از مقوله پیشرفت را ارائه کرده‌اند و در این مقاله با بهره‌گیری از تحلیل خبرگان، مطالبی استنباط و عرضه شده است. یافته‌ها: در طول این پژوهش نشان داده می‌شود که اولاً نفوذ و بسط و گسترش یک نظام اندیشه‌ای در جامعه بیش از آنکه وابسته به اندیشه‌ها و کتب و آرای متفکرین آن نظام باشد، به بسط اجتماعی و انضمامی آن اندیشه‌ها در قالب پدیده‌های تمدنی و اجتماعی از جمله تولیدات اقتصادی، صنعتی، تکنولوژیکی و فرهنگی و اجتماعی وابسته است. ثانیاً بسط و غلبه یک نظام اندیشه‌ای به مانند لیبرالیسم در طول چندین قرن بر سراسر جهان، آثار و عواقبی ایجاد نموده است که از بطن هرکدام از این پیامدها، نظام‌های حیات فکری-اجتماعی نوینی پدید آمده‌اند. به نوعی می‌توان گفت نظام‌های حیات اجتماعی در یک فرآیند تکامل یابنده از بسترهای فکری و اجتماعی نظام‌های رقیب خود متولد می‌شوند. و ثالثاً در بررسی و مقایسه دو نظام اندیشه‌ای و اجتماعی به مانند لیبرالیسم و کمونیسم، باید به اثر اجتماعی و معیارهای بنیادین تفاوت‌ها دقت نمود، چه بسا دو نحله اندیشه‌ای در ظاهر کاملاً متمایز، از یک مشرب فکری سیراب شوند و در کلان حرکت انسانیت یک مدل از حرکت و پیشرفت را به دو شکل متفاوت بیان کنند. نتیجه گیری: اگر جامعه ما در پس انقلاب اسلامی سال ۵۷ به دنبال ایجاد و گسترش نوع جدیدی از حیات اجتماعی و انسانی براساس آموزه‌های وحیانی یا به بیانی ایجاد تمدنی جدید براساس نگرش‌های اسلامی است، باید ابتدا نخبگان این حرکت، الگوی غلبه و بسط نظام-های فکری و اجتماعی را در دوران جدید و معاصر بررسی نمایند و از دل آن مسیرهایی برای توسعه اندیشه‌های دینی و اجتماعی کردن آنها در تقابل با تمدن غربی بیابند. در طول این پژوهش چندین مورد از نکات کلی الگوی بسط و غلبه نظام‌های فکری استخراج شده است که از آن جمله می‌توان به لزوم توجه به انضمامی کردن اندیشه‌ها، ضرورت توجه به ظرفیت‌های تمدن غالب برای استفاده در دوران گذار و توجه به ظرفیت پیامدهای منفی نظام اندیشه‌ای مقابل اشاره کرد

کلمات کلیدی:

اندیشه پیشرفت، اروپای قرن نوزدهم، لیبرالیسم، کمونیسم، راه‌های بسط نظام اندیشه‌ای

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1378625>

